

<http://dowran.ir/show.php?id=83827496>

مدرس از منظر امام خمینی

از زمان نهضت مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی تعداد قابل توجهی از مراجع، روحانیون برجسته سیاسی و عالمان نامدار ظهور کرده و هر یک در عصر خود تأثیرگذار بوده‌اند. بسیاری از این مراجع و علما الزاماً دیدگاه‌های یکسانی نیز در قبال تحولات سیاسی روز نداشته‌اند برای مثال آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری نگاه یکسانی با آیات عظام بهبهانی و طباطبائی راجع به تحولات مشروطه نداشته‌اند مع‌الوصف امام خمینی از همه این روحانیون برجسته به نیکی یاد کرده‌اند.

با این حال نگرش مثبت امام نسبت به بعضی از اشخاص به مراتب پرنرنگ‌تر از دیگران بوده است. برای مثال وقتی گفتار امام را در مجامع مختلف پی‌می‌گیریم ملاحظه می‌کنیم که نام مرحوم مدرس، از نظر تعداد یادآوری، بسیار بیش از دیگر روحانیون سیاسی و نامدار قرن معاصر آمده است. این نکته در نگاه اول پیداست، اما برای اینکه مطلب با دقت بیشتری ارائه شود بخشی از سخنان امام از این جهت مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد در گفتارها و نوشته‌های ایشان از ابتدای شکل‌گیری انقلاب تا شهریور 1361، تا آنجا که برخورد کرده‌ایم، حداقل 26 بار از مدرس نام برده شده است در حالی که جمع یادآوری‌های ایشان از حضرات آیات میرزای شیرازی، آخوند خراسانی، سیدزیدی، نوری، نائینی و کاشانی - رضوان الله علیهم - بر روی هم به تعداد مزبور نمی‌رسد، و این در حالی است که حضرات نامبرده همگی از مراجع تقلید بوده‌اند. این آمار از مجلدات صحیفه‌نور، جلد یک تا شانزده، برآورد شده، یعنی شامل سخنان ایشان پس از شهریور 61 و قبل از شروع نهضت نمی‌شود، نیز اگر گفتاری به صحیفه راه نیافته باشد از این محاسبه بیرون است. البته تذکر این نکته لازم است که نام نبردن از کسی دلیل بر رد یا تعریض نسبت به او نیست، و این معنی به ویژه - در حق امام، مؤکد است، زیرا شیوه ایشان مبنی بر احترام گذاشتن و حریم نگه‌داشتن نسبت به مراجع است.

بنابراین می‌توان به طور قطع گفت به یاد نیاوردن یا کمتر به یادآوردن افرادی که نام بردیم به هیچ وجه دلیل بر کم بودن ارادت امام نسبت به ایشان نیست اما، از سویی دیگر، هیچ شک نیست که یادآوری مکرر سید مدرس در گفتارهای مختلف و در خطاب و با گروه‌های متنوع، در شرایط گوناگون و با کیفیتی که تشریح خواهد شد دلیلی قطعی بر ارادت خاص و حساب شده‌ی امام خمینی نسبت به مدرس است. یادآوری امام از روحانیان - غیر از مدرس - معمولاً با یک مناسبت ویژه است، مثلاً اینکه «در مسأله حجاب فلان کس اینطور گفت». گاهی نیز فراتر از این است مثلاً از این قبیل که «فلانی هدفش عمل به اسلام بود». اما در یادآوری‌های ایشان از مدرس معمولاً تکیه بر این نکته است که مدرس یک انسان تمام عیار و یک الگوی قابل تبعیت، و بالاخره یک اسوه بود.

به تعبیر دیگر می‌توان گفت: هر یک از روحانیان غیر از مدرس در سخن امام فقط از جهتی ستایش شده‌اند ولی وقتی نوبت به مدرس که می‌رسد ستایش از همه جهت است و مدرس الگوی تمام عیار یک روحانی سیاسی شناخته می‌شود. این کیفیت که شرح داده شد ویژه‌ی مدرس است و درباره هیچ کس، اعم از روحانی و غیر روحانی، در سخنان امام، دیده نشده است.

حال، با توجه به مقدمات فوق به چند نمونه از قضاوت‌های امام درباره‌ی مدرس توجه می‌کنیم، این قضاوت‌ها معمولاً کلی و راجع به تمام شخصیت مدرس است.

الف - سرسختی مدرس

قدیم‌ترین اظهار نظری که از امام، درباره مدرس، در اختیار داریم چند موردی است که در کتاب معروف کشف اسرار آمده است. این نوشته مربوط به سال‌های بعد از استعفای رضاشاه است، و در آن ذیل عنوان «چرا رضاخان با علما بد بود؟» چنین می‌خوانیم

او با مرحوم مدرس، روزگاری گذرانده بود و تماس خصوصی داشت. فهمید که با هیچ چیز نمی‌توان او را قانع کرد. ... نه با تطمیع و نه با تهدید و نه منطقی صحیح داشت که او را قانع کند. (رضاخان) از او حال علمای دیگر را سنجید و تکلیف خود را برای اجرا کردن نقشه‌های ارباب‌های خود، فهمید. 1

قطعه فوق را از کتاب زندگینامه پیشوا، نقل کردیم، زندگینامه پیشوا نام جزوه‌ای در شرح زندگی امام و پاره‌ای از سخنان و نقطه نظرهای ایشان است که قبل از پیروزی انقلاب توسط انتشارات 15 خرداد جمع‌آوری و چاپ شده است.

ب - تبلور استقلال روحانیت شیعه در وجود مدرس
در تاریخ 1343/6/18، در حالی که حدود یک سال و سه ماه از واقعه پانزده خرداد 1342 می‌گذشت، امام خمینی ضمن یک سخنرانی مفصل و تحلیلی، در مسجد اعظم قم، چند جمله‌ای درباره مدرس گفته اند که هم اکنون در دسترس و قابل مطالعه است و عیناً نقل می‌شود. در این جملات به حیثیت استقلالی روحانیت تشیع اشاره، و مدرس به عنوان یک نمونه بارز ذکر شده است
شما خیال می‌کنید که روحانیت اسلام را می‌شود مثل روحانیت مسیح کرد، هیچ امکان ندارد. روحانیت شیعه ...»
مستقل است، انکای به هیچ کس ندارد بیانیید بگوئید یکی انکاء دارد این روحانیت مستقل که انکاء ندارد به هیچ جا این طلاب محترمی که با سی چهل تومان در ماه ساخته‌اند و زحمت می‌کشند نمی‌ترسیم که طرفدار یک مملکتی و یک دولت دیگری باشند، اینها مستقلند در افکار خودشان، از اینها آدم در می‌آید، از اینها مدرس بیرون می‌آید، از اینها سیدحسن مدرس در می‌آید...» 2

درباره‌ی «نظر امام نسبت به مدرس» نمونه دیگری که مربوط به قبل از انقلاب باشد به دست نیاوردیم
ج - تأثیر یک انسان مسلمان
در تاریخ 58/2/31 در حالی که حدود سه ماه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود دانشجویان دانشکده حقوق ملاقاتی با امام داشته‌اند. ایشان ضمن هشدار نسبت به نقشه‌های اجانب در مورد مؤسسات آموزشی و تربیتی مسلمانان به خواسته اساسی اسلام در امر تربیت اشاره کرده، فرمودند
اسلام می‌خواهد انسان درست کند، می‌خواهد آدم درست کند. یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درست شود یک وقت می‌بینید که یک مدرس از کار در می‌آید. یک مدرس مثل یک گروه است جلوی قدرت رضاخان را، آن قدرت شیطانی می‌ایستد، می‌ایستد تنها. با پیرمردی خودش می‌ایستد جلوی او را می‌گیرد و جلوی شوروی که می‌خواستند به ایران حمله کنند می‌گیرد. 3

د - یک مجلس و یک مدرس
در تاریخ 58/3/16 طی دیدار دانشجویان دانشگاه شیراز با امام، ایشان پیرامون شخصیت مدرس و نفوذ او در مجلس، گفتند:

آنها از مدرس می‌ترسیدند. مدرس یک انسان بود. یک نفری نگذاشت پیش برود کارهای او راتا وقتی کشتندش، ... یک نفری غلبه می‌کرد بر همه‌ی مجلس، بر اهالی که در مجلس بودند غلبه می‌کرد، یک نفری، یک نفری تا توی مجلس نبود (من آن وقت مجلس رفتم، دیدم، برای تماشا، بچه بودم، جوان بودم، رفتم) مجلس آن وقت تا مدرس نبود مثل اینکه چیزی در آن نیست، مثل اینکه محتوا ندارد. مدرس با آن عباي نازک و با آن - عرض بکنم - قباي کرباسی وقتی وارد مجلس می‌شد - یک مجلس - طرحایی که در مجلس داده می‌شد، آن که مخالف بود مدرس مخالفت می‌کرد و می‌ماساند مطلب را. 4

ه - وارسنگی و آزادیگی
در تاریخ 61/6/7 اعضای هیأت دولت با امام دیدار داشتند. در گفتار مفصلی که در این دیدار توسط امام ایراد گردید، شمه‌ای از حالات و وضع زندگی مدرس و چگونگی برخورد او با صاحبان قدرت بیان گردید و آثار وجودی این روحیه در زندگی شخصی و اجتماعی مردم و اهل سیاست، تشریح شد. متن این گفتار را - که خیلی خودمانی و صمیمی بیان شده - به دلیل اهمیت محتوا و جامعیت سخن و موقعیت مجلس و مخاطب - تقریباً - به طور کامل مطالعه می‌کنیم: 5

شما ملاحظه کرده‌اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده‌اید که یک سید خشکیده‌ی لاغر - عرض می‌کنم - لباس کرباسی (که یکی از فحشهائی که آن شاعر به او داده بود، همین بود که تنبان کرباسی پوشیده) یک همچو آدمی در مقابل قلدری که هر کس آن وقت را ادراک کرده می‌داند که زمان رضاشاه غیر زمان محمدرضا شاه بود، آن وقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود، در مقابل او همچو ایستاد، در مجلس، در خارج - فلان - که یک وقت گفته بود سید چه از جان من می‌خواهی؟ گفته بود که می‌خواهم تا تو نباشی. می‌خواهم تو نباشی. این آدم که - می‌آمد - (من درس ایشان یک روز رفتم) می‌آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهید مطهری است حالا، درس می‌گفت. من یک روز رفتم درس ایشان، مثل اینکه هیچ کاری ندارد، فقط طلبه‌ای است دارد درس می‌گوید. اینطور قدرت روحی داشت. در صورتی که آن وقت در کورآن مسائل سیاسی - و چیز - بود که باید حالا بروند مجلس و آن بساط را درست کند. از آنجا، پیش ما، رفت مجلس. آن وقت هم که می‌رفت مجلس، یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند. من مجلس آن وقت را هم دیده‌ام، گانه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید. با اینکه با او بد بودند ولی مجلس گانه احساس نقص می‌کرد وقتی مدرس نبود. وقتی مدرس می‌آمد مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده. این برای چه بود؟ برای اینکه یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارائی و امثال ذالک. هیچ اعتنا نمی‌کرد، نه مقامی او را جذب می‌کرد. ایشان وضعیت اینطور بود برای اینکه وارسنه بود، وابسته به هواهای نفس نبود. «اتخذ هوای الله» نبود. این، هوای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود، این اله خودش را خدا قرار داده بود. این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند، او برای خدا قرار داده بود. این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند، او برای خدا عمل می‌کرد. کسی که برای خدا عمل می‌کند، وضع زندگی هم آن است. دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی‌شود برایش. برای چه دیگر چه بکند، از هیچ کس نمی‌ترسید. وقتی که رضاشاه ریخت به مجلس فریاد می‌زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا،

مدرس رفت ایستاد گفت که مرده باد کذا. زنده باد خودم. خوب، در مقابل او شما نمی‌دانید حالا، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد، برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود، وابسته نبود. 6

:پانوشتها

- .. زندگینامه پیشوا، ص 133
- .. صحیفه‌ی نور، ج 1، ص 97 2
- .. همان، ج 6، ص 231 3
- .. صحیفه‌ی نور، ج 7، ص 63 4
- سخنان امام در صحیفه نور بدون تصرف و اصلاح نقل شده و در اینجا نیز از همین شیوه - جز در مورد علامت‌گذاری 5
- .. تبعیت شده است
- .. صحیفه‌نور، ج 16، صص 268 و 269 6

زندگی‌نامه سیاسی مدرس، سیدصدرالدین طاهری، مؤسسه خدمات فرهنگی رس: **منبع**

این مطلب تاکنون 2904 بار نمایش داده شده است